

عنوان مقاله:

ادبیات شگرف و عبید زاکانی

محل انتشار:

فصلنامه متن پژوهی ادبی، دوره 12، شماره 35 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

فرشته رستمی - .

خلاصه مقاله:

گروهی بر این باورند که «عبید زاکانی» طنز پرداز و هجاگوی توانای قرن هشتم است؛ این گزارش نیز بر باور ایشان چند و چونی ندارد. اما آیا تمام سخن همین است؟ گام می توان در خوانشی خواننده مدار، شیوه بیانی عبید زاکانی و راز ماندگاری نوشتار او را یافت. شاید سپیدی های متن را نیز به در کشید! از آنجا که دریافت طنز، کنشی خواننده مدار است، نخست اندکی درباره خوانش خواننده گفته می شود. در چارچوب نظریه دریافت و از دید خواننده و مخاطب - که متن را تاویل می کند - نوشتار عبید زاکانی با بافتی از روان پژوهی - جامعه شناسی همراه با زبانی ساده، در پاسخ به رفتار مردمان روزگار خودش پدید آمده و بدین سان طنز در جامعه پا گرفته است. در ادامه، با نگرشی به ادبیات شگفت که تودوروف به آن پرداخته است، نوشتار کاوش می گردد. در این خصوص، چهار زمینه اصلی ادبیات شگرف در متن عبید بررسی می شود. روش تحقیق این گزارش برپایه بررسی اطلاعات و داده ها شکل می گیرد و به شیوه خواندن تفسیری، خوانش پی گرفته می شود. جستاری که در پی خواهد آمد، می کوشد در طبقه بندی نوشته های زاکانی، از باور فرهیختگانی چون نیچه - که نقد نو وام دار افکار اوست - و کند و کاوهای باختین و تودوروف بهره مند شود تا در واگویه ای پیکر دار، سپهر مشترک انسان، از آن سو و این سو ورق خورد. بی گمان پیام های همگون مردم، مرز، زبان و زمان نمی شناسد بلکه باوری است که هر گاه «فکر» و «ذهن» بر آن نقش زنند، آمیزه ای از ادب و هنر شگرف را پدیدار می سازند.

کلمات کلیدی:

عبید زاکانی، طنز، خواننده، ادبیات شگرف، تودوروف

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1408987>

